

تشکل کارگری و نقش مقابله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار

مقدمه

همه شواهد روزمره نشان از فلاکت و بی حقوقی ما کارگران ایران در ابعاد بسیار وحشتناک دارد: بیکاری میلیونی، عدم امنیت شغلی، قراردادهای موقت و پیمانکاری، شدت کار بالا، دستمزدهای زیر خط فقر، گرانی ارزاق و مسکن، فقر، فحشا و اعتیاد، بی مسکنی و کارتن خوابی، کودکان کار و خیابانی....

در این میان کارگران چه می کنند و به دنبال چه راه حل هایی برای خلاصی از این شرایط غیرانسانی هستند؟

نظرات متعددی در میان ما کارگران وجود دارد که دو دسته از رایج ترین آن ها را با هم مرور می کنیم.

نظرات دسته اول شامل موارد زیر است:

- عده ای می گویند تا بوده همین بوده، کارگر باید تحمل کند. این مشکلات را خدا برای امتحان ما قرار داده است.
- عده ای مسبب مشکلات خود را نفرین می کنند و می گویند خدا خودش تقاص ما را می گیرد.
- کسانی نیز متاسفانه فقط در خفا معترض هستند اما علنا با ریاکاری از وضعیت خود اظهار رضایت می کنند.
- بعضی در جمع دوستان و آشنایان خود به بانیان بدبختی خود فحش و ناسزا می گویند، اما در عرصه اجتماع به هیچ اعتراض موثری دست نمی زنند.
- عده ای دیگر حسرت گذشته را می خورند و مدام به دنبال ناجیان خود چه درون و چه بیرون از حکومت می گردند که بیایند و اوضاع را درست کنند.
-

تمامی این افراد و اعتقادات را می توانیم در میان هم طبقه ای های خود مشاهده کنیم. اما وجه مشترک این دسته از افراد این است که اصولاً به دنبال راه حلی برای خلاصی خود نیستند و تمام حرفشان در این خلاصه می شود که کارگر نمی تواند کاری بکند و، با تحقیر و توهین به خود، معتقدند که کسی باید بیاید و ما را نجات بدهد.

به سراغ دسته دوم برویم، کسانی که معتقدند باید کاری کرد و دست به فعالیت زد. این دسته بر ضرورت اتحاد و تشکل کارگران برای مبارزه با مشکلات فوق تکیه می کنند، اما به نظر ما نوع تشکل مورد نظر آنان قادر به حل این مشکلات نیست.

- عده ای می گویند باید به دنبال ایجاد و تقویت شوراهای اسلامی که قانونی هستند باشیم . این عقیده متعلق به کارگرانی است که با آن که عملکرد حدود ۳۰ ساله شوراهای اسلامی را دیده اند ، معتقدند به هر حال " کاچی به از هیچی است . "

- عده ای دیگر از این دسته عقیده دارند که باید تشکلی ساخت که فقط منافع صنفی و اقتصادی ما را تامین کند و کاری به کار سیاست نداشته باشد . عموماً نیز معتقدند که با مراجعه به وزارت کار ، نهادهای دولتی ، مجلس و سایر ارگان ها باید برای ایجاد تشکیلات درخواست مجوز کرد .

ما در ادامه مقاله اشتباهات هر دو این نظرات را توضیح خواهیم داد . اما تا همین جا با این نظر که معتقد است باید متشکل شد کاملاً موافقیم .

اصولاً از بدو پیدایش نظام سرمایه داری همه جا کارگران با مبارزه متحد و متشکل خود، با مبارزه ای اقتصادی - سیاسی، توانسته اند به جنگ با مصائب گریبانگیر خود بروند . تاریخ جهان در قرون اخیر با مبارزات کارگران برای جامعه ای فارغ از گرسنگی ، بیکاری، تبعیض و بی حقوقی ، فارغ از جنگ ، اعتیاد ، فحشا و برای جامعه ای آزاد و انسانی عجین بوده است و در تمامی این سال ها کارگران ، مبارزات خود را علیه این مصائب با سلاح اتحاد و تشکل به پیش برده اند . اتحادیه ها ، سندیکاها ، کمیته های اعتصاب ، شوراهای و انواع دیگر تشکل ها ، سلاح اصلی کارگران بوده است . کارگران می دانند که برای مقابله با بی حقوقی و نبود آزادی و هر بهبودی در سطح رفاه و حقوق اجتماعی باید متشکل شد . این سطح از آگاهی را نفس حضور در عرصه کار تحت عنوان کارگر در ذهن و ضمیر هر کارگری ولو بی سواد ، غیرمتخصص ، خرافاتی و محافظه کار جای می دهد . آن دسته از کارگرانی که گفتیم دست به اعتراض و مبارزه نمی زنند نیز این حقایق را می دانند ، اما زیر بار فشار زندگی و تحت تاثیر اعتقادات سایر طبقات چنان خود را تنها و بی پناه می یابند که به ناچار مستاصل و درمانده این چنین تیشه به ریشه خود می زنند .

اینک که بعد از گذشت سال ها از انقلاب ۵۷ دور جدیدی از مبارزات کارگران ایران حول خواست سازمان یابی و ایجاد تشکل های مستقل آغاز شده است ، پرسش اصلی این است که چگونه باید متشکل شد ؟

در راستای پاسخ به این پرسش و برای فرهنگ سازی و زمینه سازی امر تشکل ، لازم می بینیم مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار (ILO) را توضیح دهیم و با توجه به امکانات حقوقی و قانونی موجود در ایران نقش آن ها را در تشکل یابی کارگران بررسی کنیم .

سازمان جهانی کار چیست ؟

سازمان جهانی کار در سال ۱۹۱۹ تشکیل شده و پس از جنگ جهانی دوم به جزیی از سازمان ملل تبدیل شده است .

آن طور که این سازمان خود می گوید:

"بخش خاصی از سازمان ملل است که بهبود عدالت اجتماعی و حقوق انسانی و کاری ای را که در سطح جهان به رسمیت شناخته شده اند، پی گیری می کند. این سازمان استانداردهای کاری را به شکل مقاله نامه و توصیه های تعیین کننده استانداردهای پایه ای مدون می سازد."

این که این سازمان با چه هدفی تشکیل شد و اکنون چه جایگاهی در جهان سرمایه داری دارد در این جا مورد نظر ما نیست . آنچه در این جا و در مقطع خاص مبارزه کارگران ایران مورد نظر ماست این است که ما کارگران چه استفاده ای از مقاله نامه های این سازمان می توانیم بکنیم .

مقاله نامه یعنی چه ؟

کلمه مقاله ریشه در زبان عربی دارد و به معنای قول دادن دو طرف به هم است . مقاله نامه در ترجمه کلمه کنوانسیون به کار می رود . وقتی مقاله نامه ای بین دو طرف امضاء می شود هر دو طرف موظف اند به آن چه بر آن توافق کرده اند عمل کنند .

در مورد مقاله نامه های سازمان جهانی کار ، از طرفی خود سازمان موظف است عضویت کشورهای متعهد به این مقاله نامه ها را به رسمیت بشناسد و از طرف دیگر کشورهای امضاءکننده موظف اند در عمل به مواد آن پای بند باشند . در عین حال ، دولت های متعهد به این مقاله نامه ها می باید مرتباً به سازمان جهانی کار گزارش بدهند تا این سازمان از اجرای مفاد این مقاله نامه ها اطمینان یابد. یکی از دلایل ناکامی تلاش های جمهوری اسلامی ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی اجرا نکردن همین مقاله نامه ها از سوی حاکمیت ایران است .

جمهوری اسلامی ایران به کدام یک از مقاله نامه ها متعهد شده است ؟

جمهوری اسلامی ایران تنها در صورتی می توانست به عنوان یکی از ۱۷۸ کشور عضو سازمان جهانی کار برای عضویت در این سازمان کاندیدا شود که ۸ مقاله نامه پایه ای از مجموع ۱۸۵ مقاله نامه های این سازمان را بپذیرد .

مقاله نامه های پایه ای سازمان جهانی کار کدام اند و چه می گویند ؟

این مقاله نامه ها به چهار دسته تقسیم می شوند :

۱) درباره آزادی تشکل و قراردادهای جمعی (مقاله نامه های ۸۷ و ۹۸)

۳و۲) درباره لغو کار اجباری و تبعیض (مقاله نامه های ۱۱، ۲۹، ۱۰۰، ۱۰۵)

۴) درباره ممنوعیت کار کودکان (مقاله نامه های ۱۳۸، ۱۸۲)

آن چه به بحث ما مربوط می شود دسته اول مقاله نامه ها درباره آزادی تشکل و قراردادهای جمعی است . در زیر بخش هایی از این دو مقاله نامه را با هم مرور می کنیم .

مقاله نامه ۸۷ تحت نام «مقاله نامه آزادی تشکل و حمایت از حق تشکل» در روز ۹ ژوئیه ۱۹۴۸ در ماده ۲۱ تصویب شده است . مواد مهم این مقاله نامه عبارت اند از :

بخش اول - آزادی تشکل

ماده ۱

"هرکشور عضو سازمان جهانی کار که این مقاله نامه در آن نافذ است متعهد می شود که موارد زیر را اجرا کند."

نتیجه آن که جمهوری اسلامی ایران به عنوان عضو سازمان جهانی کار که طبعاً این مقاله نامه را پذیرفته است نسبت به اجرای کلیه مواد آن متعهد است .

ماده ۲

"کارگران و کارفرمایان ، بدون هیچ تمایزی ، می باید این حق را داشته باشند که تشکل های خود را ، که مقررات تشکیلاتی آن ها تنها توسط خودشان تدوین و تعیین می شود ، به انتخاب خود و بدون کسب اجازه قبلی بر پا کنند یا به چنین تشکل هایی بپیوندند."

همان طور که می بینیم ایجاد تشکل های کارگری نه تنها حق مسلم کارگران است ، بلکه کارگران در این زمینه حتی به کسب مجوز از هیچ مرجع یا نهادی نیز نیاز ندارند و در صورتی که تشکلی را مطلوب خود بدانند می توانند به میل خود به آن بپیوندند . شاید به همین دلیل است که سازمان جهانی کار تشکل های موجود در ایران - از جمله خانه کارگر و شورای اسلامی کار - را تشکل های واقعی کارگران نمی داند ، چرا که مداخله دولت در این تشکل ها برای آنان آشکار است .

ماده ۳

"بند ۱- تشکل های کارگران و کارفرمایان می باید این حق را داشته باشند که اساس نامه و مقررات تشکل را خود تنظیم کنند، نمایندگان خود را در آزادی کامل انتخاب کنند، دستگاه اداری و فعالیت های آن را خود سازمان دهند و برنامه آن را خود مدون کنند.

بند ۲- مقامات دولتی می باید از مداخلاتی که این حق را محدود می کند خودداری کنند."

همان طور که می بینیم هیچ یک از کشورهای متعهد که این مقوله نامه ها را پذیرفته اند - از جمله جمهوری اسلامی ایران - حق هیچ گونه مداخله ، تعیین تکلیف ، یا ایجاد محدودیت برای هیچ تشکل کارگری را ندارند .

ماده ۴

"تشکل های کارگران و کارفرمایان مشمول انحلال یا تعلیق از جانب مقامات دولتی نخواهند بود."

این ماده در تکمیل ماده قبل است . آنجا از ممنوعیت دخالت دولت در تشکیل و فعالیت تشکل های کارگری صحبت شد، اینجا این موضوع مطرح می شود که هیچ یک از دولت هایی که این مقوله نامه ها را پذیرفته اند ، به هیچ عنوان ، حق انحلال و حتی به وجود آوردن وقفه در فعالیت این تشکل ها را ندارند .

ماده ۷

"کسب شخصیت حقوقی برای تشکل های کارگران و کارفرمایان نباید منوط به قید و بندهایی شود که اعمال مفاد مواد ۲، ۳ و ۴ را محدود کند."

ماده ۸

"بند ۱ - کارگران ، کارفرمایان و تشکل های مربوط به آن ها، مانند کلیه اشخاص و سازمان های اجتماعی دیگر، در استفاده از حقوقی که این مقوله نامه فراهم می آورد، قانون کشور مربوطه را رعایت خواهند کرد.

بند ۲ - قانون کشور مربوطه نباید چنان باشد، یا چنان اعمال شود، که تضمین های تامین شده در این مقوله نامه را مختل کند."

در دو بند ماده اخیر در عین حال که کارگران و کارفرمایان موظف به اجرای قانون شده اند خود دولت های متعهد به این مقوله نامه ها نیز می باید ، در صورتی که قوانین جاری این کشورها مانعی بر سر راه این تشکل ها دارد ، آن قوانین را به نحوی تغییر دهند که مانع اجرای تشکیل و فعالیت آزادانه و بدون قید و شرط این تشکل ها نباشد .

" در این مقاله نامه لفظ «تشکل» به معنای هر نوع تشکل کارگران و کارفرمایان با هدف پیشبرد یا دفاع از منافع کارگران و کارفرمایان است."

از این بند به روشنی می توان دریافت که کارگران حق دارند بنا به تشخیص خود هر نوع تشکلی که در راستای منافع آنان باشد، از جمله تشکل های ضد سرمایه داری را، آزادانه و بدون هیچ قید و شرطی تشکیل دهند و در آن ها به فعالیت بپردازند.

بخش دوم - مصونیت حق متشکل شدن

" هر کشور عضو سازمان جهانی کار که در آن این مقاله نامه نافذ است متعهد می شود که کلیه اقدامات لازم و مناسب را برای تضمین این که کارگران و کارفرمایان بتوانند از حق متشکل شدن آزادانه استفاده کنند انجام دهد."

مقاله نامه شماره ۹۸

مقاله نامه ناظر به اعمال اصول حق متشکل شدن و عقد قراردادهای دسته جمعی در اول ژوئیه ۱۹۴۹ در ماده ۱۶ تصویب شده است. مواد مهم این مقاله نامه عبارت اند از:

" بند ۱ - کارگران در مقابل اقدامات تبعیض آمیز ضد اتحادیه ای در رابطه با شغلشان باید از مصونیت کافی برخوردار باشند.

بند ۲ - این مصونیت به خصوص باید در قبال اقداماتی اعمال شود که هدفشان این است که:

الف) استخدام کارگر را مشروط به این کند که او به اتحادیه نپیوندد یا عضویت در اتحادیه را پس بدهد؛

ب) به سبب عضویت کارگری در اتحادیه یا شرکت او در فعالیت های اتحادیه ای، در خارج از ساعات کار، موجب

اخراج وی شود یا در مورد چنین کاری پیش داور و تبعیض اعمال کند."

ماده ۲

" بند ۱ - تشکل های کارگران و کارفرمایان در مقابل هر نوع اقدام مداخله آمیزی از جانب یکدیگر، یا از جانب اعضاء، موسسات و ماموران یکدیگر، می باید از مصونیت مکفی برخوردار باشند.

بند ۲ - به ویژه اقداماتی که قصد آن ها این است که موسسات و تشکل های کارگری را تحت سلطه کارفرمایان یا تشکل های کارفرمایان درآورد، یا هدف آن ها این است که با حمایت مالی یا حمایت هایی از نوع دیگر از تشکل های کارگری این تشکل ها را تحت کنترل کارفرمایان یا تشکل های کارفرمایان درآورد، می باید به عنوان اقدامات مداخله آمیز، به معنایی که در این ماده از آن مستفاد می شود، تلقی شوند."

ماده ۳

" به منظور تامین رعایت حق متشکل شدن آن چنان که در موارد پیشین تعریف شد، در صورت لزوم سیستم اداری متناسب با شرایط هر کشور می باید ایجاد شود."

یعنی در صورتی که امکان تحقق حق متشکل شدن مستلزم اجرای سیستم اداری ای باشد که پیش از آن وجود نداشته است حاکمیت هر کشور می باید نسبت به ایجاد آن اقدام ورزد یا این که در نظام اداری موجود تغییراتی ایجاد کند تا امکان فعالیت آن تشکل ها فراهم شود .

ماده ۴

" به منظور این که استفاده از سیستم مذاکرات داوطلبانه میان تشکل های کارفرمایان و تشکل های کارگران ترغیب شود و چنین سیستمی توسعه کامل پیدا کند، می باید آن چنان اقداماتی متناسب با شرایط کشور اتخاذ شود که شرایط کارومفاد قرارداد استخدام را از طریق قراردادهای دسته جمعی تنظیم کند."

شاید از این گویاتر نتوان وضعیت حقوقی ما کارگران را در ایران ، کشوری که نظام حاکم آن به این مقابله نامه ها متعهد شده است ، بیان کرد . کارگران این کشور حق دارند از حقوق این مقابله نامه ها برخوردار شوند ؛ در عوض ، هیئت حاکمه در صورتی که میان آنچه بدان متعهد شده است و قوانین جاری در مملکت تعارضی می بیند می باید خود آن ها را رفع کند .

نتیجه گیری

باتوجه به تجربیات گذشته و همچنین نکات مندرج در این مقاولة نامه ها راه حل ما این است : ما همچون کارگران جهان ، باید به طور علنی و آشکار و در همه جا خواست ایجاد تشکل مستقل کارگری را مطرح و آن را بر پا کنیم ، تشکلی که به نیروی خود ما کارگران و بدون هیچ گونه کسب مجوز ایجاد می شود ، اساس نامه و مقررات آن توسط خود ما وبدون دخالت دولت نوشته می شود و تشکیل یا انحلال آن تماما در دست خود ما است .

حال به سراغ نظرات کارگران مدافع شوراهای اسلامی برویم . دوستان ! شوراهای اسلامی در طول این سال ها نه تنها گره ای از مشکلات ما باز نکردند بلکه موانع بسیاری را نیز پیش پای ما قرار داده اند . تشکل مورد نیاز ما کارگران به هیچ وجه نباید باعث جدایی و تفرقه در میان کارگران شود . تفرقه میان کارگران براساس ملیت ، نژاد ، فرهنگ ، جنسیت ، اعتقاد و ایدئولوژی ، از حربه های قدیمی سرمایه داران است . به طورمثال ، اگر کارگران سفید پوست ولو این که در کشوری در اکثریت باشند تشکلی فقط برای سفید پوست ها بسازند بی تردید درخدمت سرمایه داری قرار خواهند گرفت . کارگران نباید ملاک تشکل را ملیت ، اعتقادات ، فرهنگ ، جنسیت و غیره قرار دهند . شعار کارگران آگاه ، اتحاد همه کارگران است . بنابراین، چون شوراهای اسلامی نهادی ایدئولوژیک و باعث تفرقه بر مبنای اعتقادات در میان کارگران هستند نمی توانند تشکیلات کارگری باشند . دیگر این که با مراجعه به قانون کار به خصوص فصل ششم آن متوجه می شویم که شوراهای اسلامی ، چگونگی شکل گیری آن ها ، قوانین آن ، نحوه انتخاب اعضا وهمه چیز آن تحت نظر دولت است . عملکرد آن ها نیز به روشنی هرچه تمام تر این را نشان می دهد . به طور مثال ، درتمامی این سال ها که شورای عالی کار دستمزد ما کارگران را زیر خط فقر اعلام کرده است آن ها با ادعای کارگردوستی گفته اند که فعلا مصلحت نیست اعتراض کنیم . البته غیر از این هم نمی تواند باشد . نمایندگان شوراهای اسلامی باید از فیلترهای دولتی عبور کنند تا مورد صلاحیت قراربگیرند ، و دست آخر فقط می توانند با مدیریت مشورت کنند ، یعنی نهادهایی صرفا مشورتی هستند . خوب ، مثل روز روشن است که مشاور مدیریت و دولت ، جزئی از خود دولت است . بنابراین، به این دلیل که شوراهای اسلامی علاوه بر ایدئولوژیک بودن نهادهایی دولتی نیز می باشند نمی توانند تشکل کارگری باشند . همچنین ، همان طور که همه می دانیم شوراهای اسلامی با استناد به قانون

کار به سندیکای شرکت واحد تهران حمله کردند و خواهان حذف سندیکا شده اند. لذا به این دلیل که مانع تشکل یابی مستقل کارگران شده اند و می شوند نیز تشکلی کارگری نیستند. دلایل فوق نشان می دهد که شوراهای اسلامی در اهداف و عملکرد خود متضاد با منافع کارگران و همچنین مغایر با مقوله نامه های ۸۷ و ۹۸ هستند. بنابراین، ما حق داریم از کارگران بخواهیم به دنبال شوراهای اسلامی نباشند و دست به کار ایجاد تشکل های مستقل خود شوند.

اما از کارگرانی که معتقدند تشکل کارگری فقط باید عملکرد اقتصادی داشته باشد می پرسیم که مگر کارگر مانند تمام انسان های دیگر جامعه غیر از منافع اقتصادی، منافع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز ندارد؟ سرمایه داران برای کسب سود علاوه بر ماشین و ابزار به کار کارگر نیز نیاز دارند، اما کارگرانی مطیع و خاموش - مانند ماشین - که فقط کافی است به آن ها سوخت رسانده شود. از نظر سرمایه داران، کارگر مانند پیچ و مهره و ابزار کار است و پرداخت مزد برای تعمیر و نگهداری آنان است. اما کارگر ماشین نیست بلکه دارای منافع، اعتقادات، آرزو و امیال انسانی است. سرمایه داران می گویند ما در مقابل کاری که می کنید به شما مزد می دهیم، قانع باشید و اعتراض نکنید. اما کارگر حق دارد در مورد مسایل جامعه نظر بدهد. کارگر در مورد این که محصول کار او تبدیل به کالایی برای رفع نیازهای انسان شود، تبدیل به مهد کودک، بیمارستان، مدرسه، دارو، پوشاک، خوراک و مسکن مناسب شود، تبدیل به آب و برق، جاده، رفاه، آموزش و ارتقای مادی و معنوی انسان شود یا تبدیل به مواد مخدر و اسلحه برای اعتیاد و جنگ و آدم کشی شود، نظرات و اعتقادات انسانی خود را دارد. سرمایه داران می گویند صبر کنید ما خودمان به مرور همه مشکلات را حل می کنیم. شما احتیاجی به ساختن تشکل ندارید. دخالت در امور جامعه در صلاحیت شما نیست. اما اگر با مبارزات کارگران مجبور به پذیرش تشکلات کارگری شوند می گویند که اعتراضات و تشکل شما باید تحت نظر ما، با اجازه ما و فقط در مورد مسایل اقتصادی باشد.

محدود ماندن خواست ها و مبارزات کارگری به مسایل صرفاً اقتصادی از نوع نگرش سرمایه دار به کارگر ناشی می شود. کارگری که از سر محافظه کاری در مورد مسایل سیاسی مربوط به زندگی خود سکوت می کند باید بداند که تسلیم نظر سرمایه داران شده است. کارگران و تشکل های کارگری باید در مورد مسایل مربوط به اجتماع اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فعال باشند. مثلاً آیا نباید از دولت بخواهیم که کار قراردادی لغو شود. حقوق ها به تناسب تورم افزایش یابد. آزادی تشکل های مستقل کارگری به رسمیت شناخته شود و حق اعتصاب قانونی شود؟ ما باید بخواهیم که کارگران اخراج نشوند، یا در صورت بیکاری بیمه بیکاری بگیرند. کارگران معترض مورد پیگرد و

دستگیری قرار نگیرند . کارگران زندانی آزاد شوند و احکام دادگاه ها درمورد آنان لغو شود . فعالیت کارگری نه تنها جرم نباشد بلکه دولت امنیت فعالان کارگری را تضمین کند . روز اول ماه مه در تقویم رسمی کشور تعطیل اعلام شود . دو روز تعطیل متوالی در هفته قانونی شود . بیمه بیکاری مکفی برای افراد آماده به کار فراهم گردد . آموزش و پرورش ، دارو و درمان و بهداشت کاملاً رایگان شود . آیا ما نباید خواستار فعالیت بی قید و شرط سیاسی شویم ؟ آیا ما در مورد جنگ احتمالی در منطقه و عوارض خانمان برانداز و فجاج آن معترض نیستیم ؟ آیا مسئله سلاح های هسته ای ربط مستقیمی به زندگی ما ندارد ؟ آیا کارگران در این موارد بی نظرند ؟ مگر بحث روزمره ما کارگران در محیط کار و زندگی حول این مسایل نیست ؟ پس چرا تشکل کارگری باید در این مسایل خود را بی توجه و بی تفاوت نشان بدهد ؟

کارگران ایران !

ما کارگران اکثریت قاطع جامعه را تشکیل می دهیم . تولید و مبادله ثروت های مادی و معنوی جامعه حاصل فعالیت ما است . محصول کار ما نفت ، فولاد ، آهن ، سیمان ، اتومبیل ، مسکن ، دارو ، بهداشت ، آموزش ، مخابرات ، هنر ، سرگرمی و تفریح ، خدمات اجتماعی ،..... است . تصمیم گیری در امور اجتماع حق مسلم ما و تشکیلات ماست . در دنیای کنونی نصیب ما از این ثروت ، زندگی زیر خط فقر است و در تعیین سرنوشت خود هیچ نقشی نداریم . ایجاد تشکل برای مقابله با این بی حقوقی هاست . تشکلی که خواستار مطالبات اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی است و درعین این که در مبارزه روزمره کارگران برای دست یابی به مطالبات کارگری شرکت می کند برای از میان برداشتن مصائب زندگی بشری از جمله فقر ، گرسنگی ، بیکاری ، بی حقوقی ، فحشا ، اعتیاد ، فساد ، تبعیض می جنگد . در دنیای امروز امکانات تکنولوژیک و بارآوری کار انسان آنچنان رشد غول آسایی کرده است که می توان اثبات کرد و با دقت ریاضی و آماری نشان داد که زندگی مرفه و شاد بدون بیکاری و گرسنگی امکان پذیر است . ایجاد تشکل کارگری برای ساختن چنین جامعه ای است .

بی تردید، مناسب ترین ساختار برای چنین تشکلی ، ساختار شورائی است . شورا یکی از انواع تشکل و دستاورد مبارزات جهانی طبقه کارگر است . شورا نهادی است متشکل از تمام بخش های طبقه کارگر ، بخش های صنعت ، خدمات ، آموزش و پرورش ، دارو و بهداشت ، مخابرات ، حمل و نقل اعم از خصوصی و دولتی . شورا نهادی است شامل همه کارگران ، اعم از فکری ویدی ، بی سواد و تحصیل کرده ، قدیمی و تازه استخدام ، رسمی ، قراردادی و

پیمانی . شورا نهادی است شامل همه کارگران بی هیچ تبعیضی از نظر نژاد ، ملیت ، جنسیت (زن و مرد) و با هر اعتقاد و طرزفکری . نمایندگان هیئت های اجرائی شوراها با رای مستقیم کارگران انتخاب می شوند و هر گاه که اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند قابل عزل می باشند . شورا نهادی است برای دخالت موثر کارگران در تمامی عرصه های اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی .

در شرایط فعلی وظیفه ما این است که تشکل یابی شورایی را تبلیغ و ترویج کنیم و بکوشیم با بسترسازی و ایجاد فرهنگ و روحیه تشکل پذیری از راه های گوناگون به ایجاد چنین تشکل هایی در تمامی مراکز کار و زندگی خود اقدام نمائیم و با مرتبط و هماهنگ کردن فعالیت ها و انتقال تجربیات شورا های کارگری به یکدیگر بتوانیم با گذار از شکل غیرعلنی فعالیت کنونی کارگران به شکل فعالیت علنی ، شرایط حضور فعالان کارگری و تشکل های شورایی صاحب نفوذ و مورد اعتماد کارگران را فراهم کنیم .

کارگران پیشرو !

در هر جمع و محفلی ، در هر کارخانه و کارگاهی ، در هر محله و خیابانی ، و در هر کجا که حضور داریم با صراحت ، علنی و به طور وسیع مقاله نامه ها را توضیح دهیم و نگذاریم که هیچ کارگری در ایران از مفاد مقاله نامه ها بی خبر بماند . بسیاری از کارگران از وجود این مقاله نامه ها بی خبرند و نمی دانند که حکومت جمهوری اسلامی آنها را امضا کرده است . ما علیرغم این که می دانیم (ILO) سازمانی در خدمت سرمایه داران است و این مقاله نامه ها دارای نکات ضدکارگری نیز می باشند اما حق داریم مانند کارگران سایر کشورها از حقوق مندرج در این مقاله نامه ها برخوردار شویم . مقاله نامه ها را در جمع های کارگری به بحث و بررسی بگذاریم . صحبت هر روز ما باید سازمان یابی و تشکل پذیری باشد . ناامیدی و محافظه کاری کارگران را با توضیح مداوم و صبورانه مرتفع سازیم . ایمان به اتحاد و تشکل خود را تبلیغ کنیم . اعتماد به نفس را در میان خودمان زنده کنیم . نگذاریم که کارگران برای خلاصی از این وضعیت و زندگی مشقت بار دست به دامن راه حل های غیرکارگری و احزاب و گروه های طبقات غیرکارگر شوند .

کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری (منطقه تهران)